

بررسی احکام فقهی روابط عاطفی با نامحرم

زبیخا بانو^۱، طاهره کریمی^۲

چکیده

رابطه با جنس مخالف انواع مختلف دارد. این ارتباط ممکن است دوطرفه یا یک طرفه باشد مثل رابطه عاطفی با شهدا، رهبر، علماء، رابطه بین معلم و شاگرد، دو دوست، دوستی بین دو جنس مخالف و بین بستگان. سؤال این است که در احکام فقهی روابط عاطفی با نامحرم چگونه تبیین می‌شود. احکام دین اسلام در این زمینه بیانگر توجه ویژه اسلام به سلامت و آرامش روانی فرد و جامعه است و رعایت قوانین حاکم بر آن و فراتر نرفتن دوطرف از آن محدوده لازم است. با بررسی آیات و روایات، ارتباط با نامحرم از روی محبت، تلذذ و ریبه حرام است، اما عواطف پاک و اظهار عشق و علاقه نسبت به شهدا و علماء چون الگوگرفتن از سبک زندگی آنهاست در زندگی انسان تأثیر مثبت دارد و عامل ثبات قدم در راه دین و دینداری است و مقدمه رسیدن به قله رفیع کمالات معنوی و انسانی است از نظر شرع جائز است. اصل حاکم در ارتباط عاطفی با نامحرم باید براساس اصل عدم مفسده باشد و در این صورت است که ارتباطات، ارزش اخلاقی داشته و مورد پسند دین اسلام خواهد بود. تحقیق حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و شیوه جمع‌آوری مطالب، کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: رابطه، عاطفی، حکم، فقه تربیتی، نامحرم.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه تربیتی، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی و مدیر گروه علمی فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

انسان از نظر فطری، گرایش و رغبت به جنس مخالف دارد چه محرم باشد چه نامحرم. رغبت به محرم هیچ مشکلی از نظر اسلام ندارد، اما برای گرایش به نامحرم در اسلام چارچوبی گذاشته شده است و در حد ضرورت می‌تواند با نامحرم رابطه برقرار کند. ازانجاکه بیشتر نوجوانان با این موضوع برخورد دارند بدون شک اسلام برای این‌گونه روابط، قانونی گذاشته است؛ زیرا دین اسلام، دین قانونمند است که در آن تمام جنبه زندگی انسان لحاظ شده است. اگر این تعامل و روابط بدون رعایت حدود و قانون اسلام برقرار شود عفت عمومی جامعه آسیب می‌بیند.

۷۰

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. رابطه

رابطه، جمع مكسر رابطه و مؤنث آن رابط است. رابطه در لغت به معنای وصل و علاقه (معلوم، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵) و به معنای آنچه بدان چیزی را به چیزی بینندند، علقه و صله، هرچیزی که بستگی به چیز دیگر داشته باشد، ارتباط و پیوندی که در میان دومی به واسطه دوستی و آشنایی پیدا می‌شود، آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰۲۷) روابط در اصطلاح، انتقال بیام و اطلاعات از سوی فرستنده برای مخاطب است که به صورت کلامی (مستقیم) یا غیرکلامی (غیرمستقیم) تعریف شده است. رابطه، مجموع رفتارهای متقابل و واکنش‌های دوجانبه شامل رابطه اقتصادی، رابطه جنسی، رابطه زناشویی، رابطه سیاسی است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۶، ص ۴).

۲-۲. عاطفه

عاطفه به معنای مهربانی، مهر، دوستی و محبت و جمع آن عواطف است. (موسوی کانی، ۱۳۸۷، ص ۴) در اصطلاح، حالت روانی و پیچیده است که به صورت غریزی یا به واسطه محرک درونی یا بیرونی بروز می‌یابد و آثاری به روح و جسم انسان می‌گذارد که برخی از آنها قابل مشاهده است. (بهشتی، ۱۳۹۱، ص ۵۷۲)

۳-۲. رابطه عاطفى

رابطه عاطفى نوعی از روابط صمیمی است که با عناوین اعتماد، عشق، دلبستگی، ارتباطات رمانیک و روابط نزدیک بیان شده است. رابطه عاطفى، روابط فردی تعریف شده است که نیازهای انسان را برای تعامل‌های هیجانی با افراد مهم، ارضامی‌کند و شامل نیاز به حمایت هیجانی و توجه گرم دوطرفه است. به عبارت دیگر، هرنوع روابط شامل احساس، علاقه، محبت و عشق بین دو فرد است. (یوسفیان، ۱۳۸۸، ص ۷۹)

۳. اقسام روابط با نامحرم

۱-۱. روابط غیرعاطفى

ارتباط عادی برای مصالح ویژه مانند رفت‌وآمد‌های خانوادگی، دادوستد، استاد و شاگردی و مانند اینها که لازمه زندگی اجتماعی انسان است و منافع معنوی و مادی بر آنها مترتب است با رعایت حیای فردی و عفت جمعی با جنس مخالف که در شرایط خاصی اتفاق می‌افتد، جایز است؛ زیرا این ارتباط برای پرده‌دری و ازبین بردن عفت نیست، بلکه از ابتدا برای حفظ حریم عفت و حیا تأسیس شده و به وسیله مصالح مهم اجتماعی وضع شده است. وجود این ارتباط موجب حفظ عفت عمومی و تحکیم حیای فردی و کسب کمالات از طرف فرد مقابل می‌شود. ارتباط با جنس مخالف باید با حفظ حریم فردی و رعایت عفت و حیای اجتماعی باشد. برخورد با جنس مخالف باید بر اصل تکبر استوار شود. رفتار صمیمانه، لب خندان، چهره‌گشاده داشتن با نامحرم و جنس مخالف ممنوع است.

۲-۲. روابط عاطفى

انسان در طول رشد خود پیوسته برای بقا و پیشرفت به ارتباط با دیگران نیازمند است. تمام انسان‌ها به دنبال یافتن کسانی هستند که به آنها احساس خوشبختی و زندگی لذت‌بخش دهند. شیطان از این امر غریزی نهایت سوءاستفاده را می‌برد. اول زن و مرد را به دام خود می‌کشد از همین‌جا انحراف آغاز می‌شود. متأسفانه گاهی احکام شرعی به بھانه‌های واھی زیرپا نهاده

می‌شوند. در روایت آمده است: «ایاک و الخلوة بالنساء والذی نفسی بیده ما خلارجل بامرة الادخل الشیطان بینهموا لان یزحم رجل خنزیرا متلطخا بطین و حماه خیرله من ان یزحم منکبه امراة لا تحل له؛ از خلوت کردن با زنان بپرهیزید. قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست مردی با زنی خلوت نمی‌کند مگر اینکه شیطان برای وسوسه و به‌گناه انداختن آن دو وارد می‌شود. اگر خوکی آلوده به کثافت و لجن باشد و به انسان برخورد کند، بهتر است از آنکه شانه زن بیگانه‌ای با مرد نامحرم برخورد کند» (نوری، ۱۳۶۸، ۲۶۴/۱۴). گاهی علاقه درونی به جنس مخالف و نیاز به رابطه با او از چارچوب هنجارهای دینی خارج می‌شود و به سوی گناه کشیده می‌شود که امری غیراخلاقی و بسیار ناشایست است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «باعدوا بین أنفاس الرجال والنساء فإنه إذا كانت المعاينة واللقاء، كان الداء الذي لا دواء له؛ بين زنان و مردان نامحرم جداً؛ زیراً زمانیٰ که دیدار و نگاه‌ها رد و بدل شود درد بی‌درمان به وجود می‌آید». (عجولونی، ۱۳۹۰/۱، ۲۷۹) ارتباط غیرشرعی با نامحرم، دام شیطان است و جوانان باید از آن برهذر باشند و روابط اجتماعی خود را درحد و اندازه مقررات شرعی و اخلاقی رعایت کنند.

٤. احکام رابطه عاطفی با نامحرم

٤-١. روابط گفتاری با نامحرم

٤-١-٤. روابط گفتاری با نامحرم در آیات

در قرآن کریم آمده است: «فَلَا تُخْضِنُ بالقول فِي طَمْعِ الذِّي فِي قَلْبِهِ مَرْضٌ؛ بِهِ گونه‌ای هوس انگیز با ناز و کرشمه سخن نگویید». (احزان: ٣٢)

بحث دلالی: مخاطب آیه خانم‌ها هستند که «با نامحرمان با ناز و کرشمه و هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید». آیه خطاب به همسران پیامبر ﷺ است که اگر همسران پیامبر ﷺ این کار را انجام دهند عذابش دوباره خواهد شد؛ زیرا اینها شخصیت اجتماعی دارند و اگر منحرف شوند اجتماع هم منحرف می‌شود. گفت‌وگو باید جدی و خشک و به‌طور معمولی باشد. زنان کم‌شخصیت سعی می‌کنند با تعبیرات تحریک‌کننده،

افراد شهوت ران را به فکر گناه اندازند. «الذى فى قلبه مرض». این تعبیر برای کسانی است که در دلشان بیماری است.

حضور به معنای خشوع است؛ یعنی نرمی و فروافتادگی. حضور به معنای تواضع، سر به زیر انداختن و آرامی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸/۹/۶) راغب میان خضوع و خشوع فرقی نمی‌داند. ادامه آیه بیان می‌دارد که «با ناز سخن نگویید». صیغه نهی، ظهور در حرمت دارد. اگر کسی با همسر خودش با ناز سخن بگوید، مشکلی ندارد، بلکه خوب است و اسلام تأکید هم می‌کند. مراد از نهی در اینجا ضررهای اجتماعی است. آیه می‌گوید: «فِي طَمَعِ الَّذِي فِي قُلُوبِهِ مَرْضٌ». به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که چون خانم در خانه تنهاست و صدایش به گوش کسی نمی‌رسد در خانه با ناز سخن گفتن و تمرین ناز و کرشمه کردن مشکلی ایجاد نمی‌کند. اگر در جایی که چندین مرد وجود دارد با کرشمه سخن بگوید خلاف است؛ زیرا ممکن است شهوت جنسی یک یا چند نفر تحریک شود. محتوای سخنی که با ناز و کرشمه گفته است نیز در تحریک شهوت آنها تأثیر دارد. اگر فرد، مفاهیم عاشقانه شهوت‌زا و... بر زبان رانده باشد تحریک‌گری بسیار بالایی دارد و اگر کلامی اخلاقی بر زبان جاری ساخته است اشکال کمتری به او متوجه است. آیه با عبارت «قلن قولًاً معروفاً» به این مورد اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴/۷/۲۸). گفت و گو و مکالمه شایسته با مردم را معروف می‌گویند. معروف یعنی، کلام نیکو، سنجیده و مورد رضایت خداوند. علامه طباطبائی می‌فرماید: «یعنی سخن معمول و مستقیم بگویید. سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده نه هر عرفی. سخنی که مدلول خود را برساند نه اینکه ناز و کرشمه بر آن اضافه کنید تا علاوه بر درک مدلول، دچار ریه هم بشود» (طباطبائی، ۱۳۹۴/۶/۴۶).

تعابیر مختلفی در بیان احکام آمده است مانند «كتب عليكم الصيام». برخی موقع، جمله خبری تشریع شده است مانند «طلاق مرتان» و برخی موقع با وصف بیان شده است مانند «ماء طهورا». گاهی نیز با امر شروع شده که حکم‌ش ازنوع تحریمی و ممنوعیت است مانند «قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم». بنابراین، همان‌گونه که از ظاهر آیه برمی‌آید در امور اجتماعی، اموری را مورد امر و نهی قرار داده است که رعایت نکردن تمامی آنها فسادآور، حرام، قبیح، دارای

عذاب اخروی و زمینه‌ساز مفاسد فراوان دنیوی است. اسلام در برابر اخلاق جنسی نوین امروز غرب یعنی، اخلاق جنسی فرسوده جاهلیت، اخلاق جنسی دیگری را برای بشر ارائه کرده و براساس آن، حکم محدودیت روابط میان زن و مرد، پسر و دختر و پسر با دختر یا دختر با دختر را در حوزه نگاه تماس، گفت‌وگو و دیگر تمتعات قرار داده است. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۶۹)

۴-۱-۲. روابط گفتاری با نامحرم در روایات

رابطه گفتاری با نامحرم شامل گفتگو، شوخی کردن، سلام کردن، جواب سلام دادن، سخنان عاطفی و مهرو محبت می‌باشد که به بررسی حکم آن در روایات پرداخته می‌شود.

«عن محمد بن جعفر عن موسى بن عمران عن عممه الحسين بن يزيد عن حماد بن عمرو النصيبي عن أبي الحسن الخراساني عن ميسرة بن عبد الله عن أبي عائشة السعدي عن يزيد بن عمر بن عبد العزيز عن أبي سلمة بن عبد الرحمن عن أبي هريرة و عبد الله بن عباس قال خطبنا رسول الله ص قبل وفاته وهى آخر خطبة خطبها بالمدينة من فاكهه امرأة لا يملكونها حبس بكل كلمة كل منها في الدنيا ألف عام في النار والمرأة إذا طاوعت الرجل فالالتزام بها أو قبلها أو باشرها حراماً أو فاكهها أو أصحابها فاحشة فعليهما من الوزر ما على الرجل فإن غلبها على نفسها كان على الرجل وزره وزرها؛ كسى كه بازن نامحرم شوخى كند در مقابل هر کلمه‌ای که با او سخن گفته هزار سال در دوزخ حبس خواهد شد و هرگاه زن، مرد را به خود قبول کند درنتیجه مرد به واسطه حرام به او نزدیک شود مرتکب فحشایی مثل بوسیدن، نزدیکی، شوخی و... شود همان گناه که برای مرد است برای زن هم است، ولی اگر زن راضی نباشد و مرد با زور به وی دست درازی کند گناه زن نیز برای مرد نوشته می‌شود». (مجلسی، ۲۰۰۱، ۷۳/۳۶۳) اصل شوخی، رفتار پسندیده است و اسلام تأکید به نشاط و شوخی می‌کند: «با یکدیگر شوخی کنید و بخندانید». ائمه معصومین علیهم السلام هم شوخی می‌کردند، ولی اسلام برای آن حد و مرز قرار داده است و شوخی با نامحرم را حرام می‌داند.

۳-۱-۴. نظر فقهاء در مورد روابط گفتاری با نامحرم

امام خمینی رهنماه اللہ علیہ و آیت اللہ مکارم شیرازی می گویند: «گفت و گو با نامحرم به جز ضرورت مکروه است، به ویژه اگر مخاطب جوان باشد. اگر مردی بداند وقتی با نامحرم صحبت کند در گناه به غیر از مسائل شهوانی آلوده می شود، جایز نیست با نامحرم گفت و گو کند». (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۸ آیت اللہ سیستانی فرمود: «گفت و گوی زنان با مرد نامحرم اگر خوف واقع شدن در حرام نباشد، صدا نازک و زیبا نباشد که مقابله تحریک کند، اشکال ندارد و گرنه جایز نیست» (سیستانی، ۲۰۰۸، ۱۲۳). نتیجه گفت و گو کردن با نامحرم در غیرضرورت، مکروه است. اگر خوف داشته باشد که در گناه بیفتد یا در شهوت آلوده شود، حرام است.

۴-۲. روابط با نامحرم در روابط دیداری

۴-۲-۱. روابط دیداری با نامحرم در آیات

«قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أذكى لهم إن الله خبير بما يصنعون؛ به مؤمنان بگوچشم‌های خود را از نگاه نامحرمان فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است». (نور: ۳۱) این آیه در مورد روابط نگاه کردن مرد به زن نامحرم هست. آیه بعدی هم در مورد زنان است که به مرد نامحرم نگاه نکنند: «و قل للمؤمنات يغضبن من أبصارهن ويحفظن فروجهن ولا يبدين زينتهن إلا ما ظهر منها؛ به زنان باليمان بگوچشم‌های خود را از نگاه هوس آلود فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقداری که نمایان است، آشکار نکنند» (نور: ۳۱).

بحث دلایلی: قل، فعل امر است و دلالت بر وجوب می‌کند. جمله «يغضوا من أبصارهم» عبارت یغضوا از ماده غض و بر وزن خز، فعل مضارع و جمله خبریه است. این کلمه به معنای کم کردن و نقصان است و در بیشتر موارد به معنای کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه هم آمده است. آیه نمی‌گوید: «مؤمنان باید چشم‌هاشان را فروبنندن»، بلکه می‌گوید: «نگاه خود را باید کم و کوتاه کنند». این تفسیر لطیفی است و مراد این است که وقتی انسان با زن نامحرم رو به رو می‌شود و اگر چشم خود را به طور کلی بینند ادامه راه رفتن و مانند آن برایش امکان پذیر نیست، ولی اگر نگاه را

از صورت و اندام او فروگیرد و چشم خود را پایین بیاندازد گویا مثل این است که از نگاه خویش کاسته است. قرآن بیان نمی‌کند از چه چیزی چشمان خود را فروگیرند؛ یعنی متعلق آن حذف شده است تا دلیل بر عام باشد؛ یعنی از مشاهده کردن تمام آن چیزهایی که نگاه به آنها حرام است، چشم فروگیرد. باتوجه به سیاق آیه که در مورد مسئله حجاب است، روشن می‌شود که مراد، نگاه نکردن به زنان نامحرم است. آیه در صدد بیان این نبیست که مردان به صورت زنان خیره نشوند تا برخی از آن چنین استفاده کنند که نگاههای غیرخیره جایز است، بلکه مراد این است که انسان وقتی نگاه می‌کند چشمان خود را فروگیرد. چشم منطقه وسیعی را زیرنظر می‌گیرد. هرگاه زن نامحرمی در حوزه دید او قرار گرفت چشم را پایین بیاورد و به او نگاه نکند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴/۱۴، ۴۳۵)

به اصطلاح علمای اصول، نظرشان آلى باشد نه استقلالی. وقتی انسان به طرف دیگر نگاه می‌کند یک وقت نگاهش برای برانداز کردن و دقتن کردن به آن شخص است. مثل اینکه وضع لباس و کیفیت آرایش آن شخص را بررسی کند و این نگاه استقلالی است، اما برخی موقع، نگاهش برای حرف زدن و گفتگوست. این از قسمی است که مقدمه و وسیله است و نظرش به صورت آلى است. (مطهری، ۱۳۹۵، ۴۵۶/۱۹) «و يحفظوا فروجهم»: فرج به معنای شکاف انداختن و فاصله بین دو چیز است، ولی اینجا کنایه از عورت است. مراد از حفظ فرج، پوشاندن آن از نگاه کردن دیگران است. امام صادق علیه السلام فرمود: «كُل آية في القرآن فيها ذكر الفروج فهى من الزنا الا هذه الآية فانها من النظر؛ هر آیه‌ای که در قرآن سخن از حفظ فروج دارد منظور حفظ کردن از زن است. جز این آیه که منظور از آن، حفظ کردن از نگاه دیگران است» (قمی، ۱۳۶۳/۲، ۱۰۱). این دو آیه، احکام نگاه کردن، چشم چرانی و حجاب را بیان می‌کند و به زن و مرد دستور به چشم پوشی می‌دهد و آیه مطلق است و حکم حرمت شامل هردو می‌شود.

۴-۲-۲. روابط دیداری با نامحرم در روایات

از امام علیه السلام نقل شده است: «فِي الْحَدِيثِ الْمَرْفُوعِ لَا تَكُونُ حَدِيدُ النَّظَرِ إِلَى مَا لَيْسَ لَكَ فَإِنَّهُ لَا يَبْرُزُ فِرْجُكَ مَا حَفِظْتَ عَيْنِيكَ وَإِنْ أَسْتَطَعْتَ أَلَا تَنْظُرَ إِلَى ثُوبِ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحْلُ لَكَ فَافْعُلْ وَلَنْ تَسْتَطِعْ ذَلِكَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ؛ از چیزی که نگاهش به او جایز نیست خیره خیره به او نگاه نکن. از این عمل

عورت مرتکب زنا نمی‌شود تا هنگامی که چشمانت را از نگاه به نامحرم حفظ کنی و اگر توانستی، حتی به لباس او نیز نگاه نکن که البته این کار را جز به اذن واردۀ خدا نمی‌توانی انجام دهی». (ابن

ابی الحدید، ۱۳۹۰، ۲۳۶/۲۰)

دلالت حدیث: کلمه «لا» ناهیه است و دلالت بر حرمت دارد. از نگاه متمرکز و هوس‌آسود نهی شده است. همچنین اثر راهم بیان کرده است. اگر نگاه هوس‌آسود نکند مرتکب زنا نمی‌شود؛ یعنی نگاه غیرسالم باعث زنا نمی‌شود، حتی نگاه به لباس زن نامحرم هم نهی شده است: «التي لا تحل لك». کلمه التي اسم موصول است. وقتی دونفر به یکدیگر با علاقه نگاه می‌کنند نیروی چشم هردو به یکدیگر تلاقی می‌کند و چیزی مثل جرقه نامرئی به طرف آن دو بازمی‌گردد و محبت، عاطفه، عشق و علاقه به واسطه ارتباط با همان نیرو به اینها الهام می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۱، ۹۵/۱)

وقتی دوجنس مخالف در جرم ناپاکی گرفتار می‌شوند و از پسر سؤال می‌کنند که چگونه مطمئن شدی که این دختر به پیشنهاد گناه شما پاسخ مطلوب می‌دهد، می‌گوید: «نگاه‌های او بدون کمترین صحبت، نشان از رضایت داشت و اگر مایل به گناه نبود از این نگاه هوس‌آسود استقبال نمی‌کرد». با توجه به این بحث علمی معلوم می‌شود که چگونه یک نگاه هوس‌آسود، نامه‌رسانی کرده و حوادث می‌آفریند و باعث انحراف‌ها و کجروی‌های مختلف در جامعه می‌شود. از نظر جامع‌شناسی، نگاه شهوانی آسیب‌زاست (راست‌گو، ۱۳۴۹، ص ۳۱).

۴-۲-۳. نظر فقهاء در مورد روابط دیداری با نامحرم

آیت‌الله سیستانی: «نگاه کردن به بدن زن و همان‌طور نگاه به موی زنان چه با شهوت چه بدون شهوت، چه ترس از وقوع در حرام چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به دست و صورت که باز است اگر با شهوت نباشد بازهم احتیاط مستحب است نگاه نکند، اما اگر با شهوت نگاه کند، حرام است». (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۵)

آیت‌الله مکارم شیرازی: «نگاه کردن به بدن زن نامحرم چه با لذت باشد چه بدون آن، حرام است همچنین نگاه زن به بدن مرد نامحرم، اما نگاه به دست و صورت اگر موجب فساد و افتادن در گناه نباشد اشکال ندارد». (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۷)

۴-۳. تماس لمسی با نامحرم

۴-۳-۱. تماس لمسی با نامحرم در آیات

خداآوند در کلام خود به زن و مرد حکم می‌دهد که نگاه خود را از نامحرم فربندند و پاکدامنی اختیار کنند. از دو آیه ۳۱، ۳۲ سوره نور می‌توان رعایت عفت در روابط زن و مرد را به دست آورد. همان‌گونه که نگاه به نامحرم از روی شهوت حرام است به طریق اولی، لمس بدن نامحرم نیز حرام است.

۴-۳-۲. تماس لمسی با نامحرم در روایات

ایجاد تماس با هر عضوی از بدن زنان نامحرم حرام است و مورد نفرت شارع است. بسیاری از فقهاء به دلیل بدیهی و واضح بودن این حکم متعرض آن نشده‌اند. فخرالمحققین می‌گوید: «کلمما يحرم النظر إلية يحرم لمسه و ما يباح من الأجنبية يحرم اختياراً لمسه إجماعاً؛ لأنَّه أقوى في التلذذ والاستمتاع من النظر، ولهذا لا يبطل الصوم بالإزال المستند إلى النظر، ويبطل لو أُستند إلى الملامسة؛ هرآنچه که نگریستن به آن حرام باشد، لمس کردن آن نیز حرام است و آنچه از زنان نامحرم که نگریستن به آن مباح است به اجماع لمس کردن آن در حالت اختیار، حرام است؛ زیرا لمس نسبت به نگاه موجب تلذذ واستمتاع بیشتری می‌شود. به همین دلیل اگر ازال منی به سبب نگریستن باشد روزه باطل نمی‌شود، ولی اگر به سبب لمس کردن باشد، باطل می‌شود». (فخر

المحققین، ۲۰۰۱، ۹/۳)

در برخی از روایات آمده است که مردان از نشستن در جایی که زنی از قبل در آنجا نشسته است، پرهیز کنند. امام صادق علیه السلام می‌گوید از رسول خدا علیه السلام نقل شده است: «عن أبي عبد الله علیه السلام قال: قال رسول علیه السلام إذا جلس المرأة مجلسا فقامت عنه فلا يجلس في مجلسها رجل حتى يبرد؛ هرگاه زن از جایی که نشسته بود، برخاست مرد تا آثار گرمی بدن وی از آنجا بطرف نشده است به جای او

ننشیند تا سرد نشود» (صدقوق، ۱۳۹۹، ۴۶۷/۳). از این روایت معلوم می‌شود که رابطه مرد با زن نامحرم به قدری حساس، موجب فتنه و محرك شهوت است که شارع اسلام راضی نیست مرد حتی به طور غیرمستقیم با گرمای بدن او تماس داشته باشد و آن را احساس کند. با توجه به این مسئله چطور ممکن است اسلام درباره لمس بدن زن نامحرم به طور مستقیم و احساس گرمای بدن او که به مراتب در تحریک مرد و ایجاد فتنه و فساد مؤثرتر است منعی نداشته باشد.

روایات نهی از مصافحه با نامحرم و دست ندادن پیامبر ﷺ با زنان در بیعت نیز دلیل دیگری بر عدم جواز لمس بدن یا اعضای نامحرم است مانند: «عن سماعه بن مهران قال سألت أبا عبد الله عليه السلام لا يحل للرجل أن محمد عن عثمان بن يصافح المرأة إلا امرأة يحرم عليه أن يتزوجها أخت أو بنت أو عمة أو حالة أو بنت أحد أو نحوها وأما المرأة التي يحل له أن يتزوجها فلا يصافحها إلا من وراء التوب ولا يغمر كفها؛ سماعه بن مهران نقل می‌کند از امام صادق علیه السلام درباره مصافحه یعنی، دست دادن زن و مرد سؤال کردم. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: برای مرد حلال نیست با زن مصافحه کند، مگر زنی که از محارم است و ازدواج با او حرام باشد همانند دختر، خواهر، عمه، خاله، دخترخواهر و مانند آن، اما نباید با زنی که نامحرم است و ازدواج با اوی حلال است، مصافحه کند مگر از روی لباس و دست وی را نیز فشار ندهد». (حرعاملی، ۱۳۸۳، ۲۰۸/۲۰)

این روایت، دست دادن با نامحرم را جایز نمی‌داند؛ زیرا مصافحه امر طرفین است که با دست دادن دونفر محقق می‌شود. به همین دلیل اگر برای یک طرف حرام باشد برای طرف دیگر نیز حرام خواهد بود. از مجموع آیات و روایاتی که زنان را به داشتن پوشش مناسب در جاهای عمومی و حریم گرفتن از مردان نامحرم امر کرده وزنان و مردان را زنگاه کردن به نامحرم نهی می‌کند و نیز از تأکید زیاد در آیات و روایات بر حفظ حیا و عفت زنان در جامعه به خوبی استفاده می‌شود که لمس کردن بدن نامحرم به طور مطلق ممنوع است؛ زیرا لمس بدن نامحرم به مراتب از نگاه کردن به نامحرم که ممنوع و مورد نهی شارع است در تحریک شهوت و ایجاد فساد شدیدتر و قوی‌تر است. از این‌رو، اگر در ماه رمضان نگاه مرد به زن سبب جنابت و خروج منی از وی شود روزه‌اش باطل نمی‌شود، درحالی که اگر خروج منی از وی مستند به لمس زن باشد روزه‌اش باطل است.

۴-۳. نظر فقهاء در مورد تماس لمسی با نامحرم

فقهانیز به این امر تصریح کرده و گفته‌اند در تمام مواردی که نگاه به نامحرم جایز نباشد لمس بدن و تماس با اعضای او نیز به طریق اولی جایز نیست. صاحب ایضاح الفوائد، صاحب جواهر و محقق نراقی براین امر ادعای اجماع کرده‌اند. بنابراین، زن و مرد نامحرم حق لمس و تماس بدنی را ندارند. (حسینی، ۱۴۰۰) دین اسلام برای جلوگیری از ایجاد مفسدۀ احتمالی فقط دست دادن هم جنسان را جایز و حلال و دست دادن با نامحرم را حرام می‌داند.

۵. حکم روابط عاطفی در فضای مجازی

در فضای مجازی که روابط به صورت مستقیم نیست و برخورد و تماس لمسی وجود ندارد آیا جایز است که روابط عاطفی به صورت نامحدود و بدون هیچ قیدی باشد. این نوع روابط از نظر شارع قابل قبول است یا نه. در گفت‌وگوی عاطفی زن و مرد با یکدیگر، دیدن تصاویر یکدیگر، پیامک و چت، نامه‌نگاری آنها فرقی بین حالت مستقیم و غیرمستقیم هست یا نه. قبل از بررسی حکم فقهی، ابتدا خود فضای مجازی را بررسی کرده و اقسام آن توضیح داده می‌شود. فضای مجازی از دو واژه تشکیل شده است: فضا و مجازی. فضا در لغت به معنای یک حیطه گسترده، آزاد، خالی و در دستیابی است. مجازی به معنای رایانه‌ای و شبکه‌های رایانه‌ای است و در اصطلاح، قلمرو و محیطی غیرفیزیکی و تخیلی از ارتباطات اجتماعی تعاملی است که با رایانه‌های به هم متصل بر بستر دیجیتال شکل می‌گیرد. (نصراللهی، ۱۳۹۵، ص ۵۷)

منظور از فضای مجازی در اینجا روابطی است که از راه واسطه یا وسیله و ابزار باشد. این روابط می‌تواند به واسطه پیامک، چت کردن، تلفنی، نامه، اینترنت و شبکه اجتماعی باشد. خداوند می‌فرماید: «و لا تقف مالیس لک به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنده مسؤولاً؛ و از آنچه که بدان علم نداری، پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل همه مسئولند» (اسرا: ۳۶). گاهی انسان بدون علم و یقین سخنانی می‌گوید یا سخنی که از فرد غیرموثق شنیده شده است را بیان می‌کند یا می‌گوید، دیده‌ام درحالی که ندیده و یا در تفکر خود دچار قضاوت‌های بی‌جا می‌شود که با واقعیت تناقض دارد. به همین دلیل از گوش، چشم، فکر و عقل انسان سؤال خواهد شد: «و لا تقف مالیس لک

به علم؛ در مورد آنچه که علم ندارید آن را نگویید»؛ زیرا «إِن السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْفُؤَادُ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا، از گوش بدانچه که شنیده و از چشم بدانچه که دیده و از قلب بدانچه که اعتقاد به آن داشته، سؤال می‌کنند و مورد بازخواست قرار می‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲/۱۱۶).

۶. حکم ارتباط همکلاسی‌های نامحرم در کلاس

امروزه جوانان به این فخر می‌کنند که دوست‌های نامحرم و جنس مخالف داشته باشند و در کلاس‌ها با جنس مخالف می‌نشینند، با یکدیگر شوخی و مزاح می‌کنند: «فلا تخضعن بالقول فيطعم الذى فى قلبه مرض؛ پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است» (احزان: ۳۲). این آیه در مورد همسران پیامبر ﷺ نازل شده بود، اما در آیه هیچ قیدی نیاورده، بلکه مطلق ذکر شده است. بنابراین، این آیه را از باب الغاء خصوصیت می‌توان به زنان دیگر هم تسری داد. در آیه اشاره می‌کند «بenez سخن مگویید؛ زیرا باعث می‌شود دل مردان دچار ریه می‌شود و خیال‌های شیطانی می‌آید و شهوتش را برمی‌انگیزد». پس رابطه گفتاری با همکلاسی نامحرم اگر بدون خضوع، لطیف و ناز باشد، جایز است.

۷. حکم ارتباط با مجتهد

«أَمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حَجَتٌ إِلَيْكُمْ وَأَنَا حَجَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ اما در رویدادهای زمانه به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنام». (مجلسی، ۲۰۰۱، ۵۳؛ حرم‌عاملی، ۱۳۸۳، ۲۷/۱۴۰) رجوع به فقهاء در عصر غیبت نه امری مستحب، بلکه واجبی شرعی است؛ زیرا آنان منصب امام برای این کار هستند و از فرمان حضرت نمی‌توان تخلف کرد. هرچه محبت و ارتباط قلبی با مراجع تقلید بیشتر باشد تبعیت، هم‌رنگی، همراهی و همدلی با آنها نیز بیشتر خواهد شد. نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی، همفکری، همراهی و همسوی بسیار مهم است و مردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تأثیر می‌گذارد و زمینه‌ساز تبعیتی عاشقانه می‌شود نه اطاعتی رسمی و تشریفاتی. در این صورت میان شناخت،

عشق و پیروی، رابطه‌ای مستحکم به وجود می‌آید؛ زیرا معرفت، محبت و محبت، ولایت و تبعیت می‌آورد. عشق و علاقه قلبی به مجتهد از این باب جایز است.

۸. حکم ارتباط با شهدا

در قرآن کریم ۱۰ آیه به طور صريح در مورد شهدا بیان شده و خداوند توصیف آنها را این‌گونه بیان کرده است: زنده بودن شهدا، رزق گرفتن آنها، عمل شهید ضایع نمی‌شود، گناهان شهید آمرزیده می‌شود، خوشحالی شهید، مشمول رحمت الهی می‌شوند، رستگار هستند و اجر عظیم داده می‌شود.

آیه اول: «و لا تحسِّنَ الَّذِينَ قُتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ؛ الْبَتَهُ نَيْنَدَارِيدَ».
که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود». (آل عمران: ۱۶۹)

دلالت آیه: کلمه «ولا» دلالت بر نهی مطلق دارد. «تحسبن» تأکید می‌کند «هرگز گمان نکنید». «قتلوا فی سبیل الله» قتل فعل مجهول به معنای آن کس که کشته شده، یعنی مرگ دو نوع است: یکی مرگ عادی و دیگری مرگ غیرعادی؛ یعنی آنها کشته شده‌اند حالا کجا کشته شده‌اند؟ ادامه آیه بیان می‌دارد (فی سبیل الله) در راه خدا کشته شده‌اند؛ یعنی نه هر مرگی بلکه آنها یی که در راه خدا کشته شدند مرده نیستند بلکه (بل احياء) زنده هستند نزد پروردگار و از رزق خدا هم بهره‌مند می‌شوند.

آیه دوم: «و لا تقولوا لِمَنْ يَقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٍ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكُنْ لَا تَشْعُرونَ؛ كَسِيْ كَه در راه خدا کشته شد، مرده نین‌دارید، بلکه او زنده جاوید است، ولی این حقیقت را نخواهید یافت». (بقره: ۱۵۴) در این آیه سه تذکر داده شده است: اول، لفظ مرگ برای آنها استفاده نکنید آنها زنده هستند؛ دوم، حیات شهدا بعد از شهادت، جاودانی است؛ سوم، نمی‌توان زندگی و مقام شهدا را درک کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۱۹۴).

عشق و علاقه و رابطه عاطفى با شهداء، الگو گرفتن از آنها را به دنبال دارد. این رابطه عاطفى در راستای همان رابطه عاطفى با اولیای الهى و جائز است، هرچند استفاده از الفاظی مثل «نامزدم»، «شهید من»، «رفیق شهیدم» و «شهید خودم» زیبند نیست.

۹. حکم ارتباط با دکتر نامحرم

گاهی دکتر ناچار است برای معالجه به بیمار دست بزند و نگاه به عورت کند و این بهویژه در عمل‌های جراحی پیش می‌آید. پزشک در اتاق عمل مرد دیگر هم حضور پیدا می‌کند و به بدن بیمار نگاه می‌کند. گاهی دانشجویان پزشکی و پرستاران در اتاق عمل برای آموزش حضور دارند.

حکم آن چیست. امام باقر علیه السلام فرمود: «محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر قال: سأله عن المرأة المسلمة يصيّبها البلاء في جسدها إما كسر وإما جرح في مكان لا يصلح النظر إليه يكون الرجل أرفق بعلاجه من النساء أ يصلح له النظر إليها قال إذا اضطررت إليه فليعالجها إن شاءت؛ از امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد اگر در بدن زن، بیماری به وجود آمد آیا مرد می‌تواند او را معالجه کند. حضرت فرمود: اگر به این امر مضطرب باشد، جائز است او را معالجه کند» (حلی، ۱۳۹۰، ۲/۳۰۸).

دلالت روایت: قید «مرأة المسلم» در روایت، یعنی زنی در مقام علاج مضطرب شود. آیا این حکم اختصاص به زنان دارد یا شامل مردان هم می‌شود؟ دو احتمال دارد: احتمال اول، این که سؤال در مورد زن بود. اگر زنی مضطرب شد بنابراین خصوص «مرأة» مراد است و باید در مورد حکم مرد مضطرب سراغ قاعده رفت. احتمال دوم، با توجه به سؤال عرفی بعید نیست الغای خصوصیت شود، پس این روایت شامل زن و مرد هردو می‌شود.

امام علیه السلام فرمود: «قال إذا اضطررت إليه». اگر معالجه از طرف هم جنس ناممکن باشد، می‌تواند جنس مخالف معالجه کند، پس حکم حرمت نگاه و لمس، استثناء شده است. بنابراین، در غیر از حالت اضطرار نمی‌تواند به بدن نامحرم نگاه کند. صاحب شرایع می‌گوید: «هرگاه نیاز به طبیب کند، می‌تواند برای معالجه به فرد نامحرم نگاه کند. در صورت ضرورت نگاه به عورت هم جائز است». شیخ انصاری در کتاب بیع نظر خود را بیان می‌کند. قائدہ «لیس مما حرم الله الا و قد احله لمن

اضطراری؛ هیچ حرامی نیست مگر در موقع اضطرار» حلال می‌شود. به دلیل تمسک به قائد که ضرورت معالجه را ثابت می‌کند نگاه طبیب به عورت نامحرم و اعضای بدن جایز است (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

۹-۱. حکم فقهاء در مورد حکم ارتباط با دکتر

امام خمینی رض: «اگر ضرورت و لازم باشد مراجعه به دکتر مرد مانع ندارد، اما بدون ضرورت و با بودن زن دکتر، مراجعه نکند». (موسوی خمینی، ۱۳۶۸/۳/۲۷۹)

آیت‌الله سیستانی: «اگر نگاه یا لمس لازمه حرام قرار بگیرد با وجود داشتن دکترو متخصص زن، جایز نیست، اما به این شرط که اگر اعتماد نباشد در انجام صحیح کار، دکتر زن جایز است». (محمودی، ۱۳۸۸/۱/۱۸۴)

آیت‌الله خامنه‌ای: «اگر معاينه و درمان بدون نگاه و لمس ممکن نباشد و یا مراجعه به دکتر زن حاذق و متخصص غیرممکن باشد در این صورت جایز است والا جایز نیست». (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۳۱)

۱۰. نتیجه‌گیری

یکی از مسائل و معضلاتی که بر سلامت جوان تأثیر می‌گذارد داشتن رابطه عاطفی بین نامحرم است که اسلام چنین رابطه‌ای را نامشروع می‌داند و جامعه به فساد کشیده می‌شود. با بررسی این گونه روابط این نتیجه حاصل می‌شود که بهترین نظریه در مورد روابط بین دختر و پسر از نظر آیات قرآن، روایات مucchomim علیهم السلام و نظریه فقهاء داشتن رابطه سالم با حفظ حریم شرعی است. کیفیت و چگونگی روابط براساس دین اسلام چند نوع است:

رابطه دیداری: اسلام نگاه اول و اتفاقی را جایز می‌شمارد، اما بار دوم نگاه کردن بدن نامحرم چه قصد لذت باشد یا نباشد حرام است. نگاه کردن به دست و صورت بدون ریبه و لذت باشد، جایز است، اما اگر برعکس باشد، حرام است، ولی در صورت نیاز و ضرورت مانند موقع علاج، نگاه به بدن نامحرم جایز است.

رابطه لمسی: رابطه دختر و پسر به قدری حساس است که موجب فتنه و محرك شهوت می‌شود و شارع راضی نیست حتی به طور غیرمستقیم با گرمای بدن او تماس داشته باشد. دست دادن به نامحرم جایز نیست، اما لباس یا چیز دیگری بین دو دست حائل باشد دلالت به جواز دارد و هم در صورت علاج، لمس جایز این موارد استثناست.

رابطه کلامی: گفت‌وگو کردن با نامحرم اگر خوف به ریبه و قصد لذت نباشد، جایز و گرنده حرام است، اما گفت‌وگو با نامحرم بدون ضرورت، دلالت به مکروه دارد.

رابطه مجازی: چت کردن با نامحرم، دیدن عکس یا فیلم در فضای مجازی اگر به قصد لذت و خوف به گناه نباشد موقع ضرورت جایز و گرنده اشکال دارد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: ولی‌عصر.
۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۳۹۰). شرح نهج‌البلاغه. قم: انتشارات دارالفکر.
۲. انصاری، مرتضی (۱۳۹۰). کتاب النکاح. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. بهشتی، محمد (۱۳۹۱). تربیت عواطف از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام. مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۳). وسادل الشیعه. قم: انتشارات دارالحدیث.
۵. حسینی فقیه، محسن (۱۴۰۰). درس خارج فقه. https://eshia.ir/Feqh/Archive/Hoseiny_Faqih/feqh/1400.
۶. حلی، ابن ادریس (۱۳۹۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوى. قم: انتشارات اسلامی.
۷. خامنه‌ای، علی (۱۴۰۰). اجویه الاستفتاثات. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. راستگو، محمدباقر (۱۳۴۹). برای چشم‌هایت. تهران: انتشارات برهان.
۱۰. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین (۱۳۸۳). مفردات الفاظ قرآن راغب. قم: دارالکتب العلمیه.
۱۱. سیستانی، علی (۲۰۰۸). پاسخ به سوالات جامعه. قم: انتشارات الزهرا، جزوه زینت.
۱۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۹). من لا يحضره الفقيه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین (۲۰۰۱). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: انتشارات دارالحدیث.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین (۲۰۰۱). علل الشرایع. قم: انتشارات دارالحدیث.
۱۵. طباطبائی‌یزدی، محمدکاظم (۱۳۸۸). عروه الوثقی حاشیه (نکاح). قم: انتشارات دارالعلم.
۱۶. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۴). تفسیر المیران. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
۱۷. عجولونی الجراحی، اسماعیل بن محمد (۱۳۹۰). کشف الخفاء. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. فخرالحقوق، محمد بن حسن حلی (۲۰۰۱). ایضاح الفوائد. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۲۰۰۱). *بحارالانوار*. تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۲. محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۹). *ارتباط‌شناسی*. تهران: انتشارات سروش.
۲۳. محمودی، محسن (۱۳۸۸). *مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقليد*. تهران: علمی فرهنگی صاحب‌الزمان.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی مطهری (۱۳۹۰). *مسئله حجاب*. تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. معرفت، لویس (۱۳۸۰). *المجذد فی الغد*. تهران: ذوی القربی.
۲۷. مکارم شیرازی (۱۴۲۵). *توضیح المسائل*. قم: انتشارات اسلامی.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). *استفتائات*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۳۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). *توضیح المسائل مراجع*. قم: انتشارات اسلامی.
۳۱. موسوی کانی، رضا (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی روابط دختر و پسر*. نشریه پرسمان، شماره ۶۵، ۴-۱۰.
۳۲. نصارالهی، محمدصادق، و اسماعیلی، محسن (۱۳۹۵). *پالایش فضای مجازی، حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی*. نشریه دین و ارتباطات، ۴۹(۲۳)، ۵۳-۸۰.
۳۳. نوری، محمد بن حسین (۱۳۶۸). *مستدرک الوسائل*. قم: آل بیت.
۳۴. یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۸۸). *ترتیت دینی فرزندان*. قم: مؤسسه امام خمینی ره.